

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال دوازدهم، شماره بیست و چهارم (پاییز و زمستان ۱۴۰۴)



هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- جعفر بستان (نجفی) (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)
- سید جواد حسینی گرگانی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)
- محمدجعفر طیبی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)
- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)
- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)
- محمدرضا فاضل کاشانی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)
- محمد قائینی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)
- سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)
- علی نهانودی (استاد خارج حوزه علمیه قم)
- سعید واعظی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

دوفصلنامه فقه و اجتهاد بر اساس نامه شماره ۱۲۱۲۳
شورای اعطای مجوزها و امتیازهای شورای عالی حوزه‌های
علمیه در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۶/۱ از شماره دهم به رتبه
علمی - پژوهشی ارتقا یافته است.

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۰۲۵ / دورنگار: ۳۷۷۳۰۵۸۸ - ۰۲۵

سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com

پست الکترونیکی: mags@markazfeqhi.com

چاپ: گله - قم / قیمت: ۲۰۰ هزار تومان

نمایه شده در پایگاه‌های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)

صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار

مدیر مسئول:

آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سر دبیر:

علی نهانودی

دبیر تحریریه:

محمدجواد نصر آزادانی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

محمد شیرینکار موحد

مترجم انگلیسی:

علی رشیدآبادی

طراح:

حمیدرضا پورحسین

صفحه‌آرا:

محسن شریفی



مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری
جهان اسلام (ISC)



Re-reading Apparent Conflicts in Narrations in Light of the Communicative Structure of Speech and the Circumstances of Issuance

Hamid Zeraat Kashani¹

Abstract

Narrative speech, within its communicative context, consists of three essential pillars: the speaker, the communicative situation, and the addressee. Among the most significant challenges in the process of jurisprudential inference are the apparent conflicts found in narrative texts. Usul scholars have proposed solutions such as reconciliation (jam‘), preference (tarjih), choice (takhyir), and mutual cancellation (tasagut) to address this problem. Adopting a three-layered approach with particular attention to the context of issuance of narrations, the present study examines the impact of the three elements of the speaker, the communicative setting, and the addressee, along with their related aspects. Relying on hadith, jurisprudential, and usul heritage and by applying this framework to examples of seemingly conflicting narrations, the study shows that a precise understanding of the different levels at which a narration is issued can provide the ground for a more accurate comprehension of the hadith text. Taking this phenomenon into account renders a considerable number of cases of prima facie conflict in the realm of narrations solvable and, as a consequence, renders recourse to discussions of preference, choice, mutual cancellation, suspension, and caution unwarranted. Using a descriptive-analytical method and library sources, the study proposes a systematic model for resolving apparent conflicts so that the researcher may attain an “intended understanding” of the speech, an understanding grounded in contextual indicators related to the speaker, the circumstances of communication, and the addressee.

Keywords: sources of conflict, conflict resolution, communicative situation, attributes of the infallible, external proposition, practical methods.

1. Senior Professor of the Qom Seminary and Graduate of the Educational-Research Complex of Ahl al-Bayt (AS), Qom, Iran; hzkashan65@yahoo.com

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال دوازدهم، شماره بیست و چهارم (پاییز و زمستان ۱۴۰۴)

تاریخ دریافت، ۱۴۰۴/۰۳/۲۷

تاریخ پذیرش، ۱۴۰۴/۰۹/۰۳

بازخوانی تعارض نماهای روایی در پرتو ساختار ارتباطی کلام و فضای صدور

حمید زراعت کاشانی^۱

چکیده

کلام روایی در بستر ارتباطی خود متشکل از سه رکن اساسی متکلم، مقام مخاطب و مخاطب است. در این میان، تعارض‌های ظاهری موجود در کلام روایی، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در فرایند استنباط فقهی به شمار می‌روند؛ دانشیان اصول برای حل این معضل، راهکارهایی چون جمع، ترجیح، تخییر و تساقط را ارائه داده‌اند؛ پژوهی جاری با اتخاذ رویکردی سه سطحی همراه با التفات ویژه به بستر صدور روایات، به بررسی تأثیر سه عنصر متکلم، زمینه مخاطب و مخاطب و شئون مربوط به هر یک پرداخته است و با اتکا بر تراث حدیثی و فقهی و اصولی و تطبیق نمونه‌هایی از روایات معارض‌نما، نشان می‌دهد که درک دقیق سطوح مختلف صدور روایت می‌تواند زمینه فهم دقیق‌تری از متن حدیثی را فراهم کند و با توجه به این پدیده، مصادیق قابل توجهی از مصادیق تعارض بدوی در حوزه روایی را قابل حل جلوه دهد و در پی آن، ورود به بحث از مرجحات و تخییر یا تساقط و توقف و احتیاط بی‌وجه می‌نماید. در خلال این بررسی که با استفاده از اطلاعات کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی پیش رفته است، برای حل تعارض‌نماها، الگویی روش‌مند ارائه می‌دهد تا محقق به «فهم قصدی» کلام راه یابد؛ فهمی مبتنی بر قرائن مرتبط با متکلم، شرایط مخاطب و مخاطب. واژگان کلیدی: مناشئ تعارض، راه حل تعارض، مقام مخاطب، شئون معصوم، قضیه خارجی، شیوه‌های اجرایی.

۱. استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و دانش‌آموخته مجتهد آموزشی - پژوهشی ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، قم، ایران؛

مقدمه

پدیده اختلاف حدیث به زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که صحابه و تابعین این مشکل را احساس کردند، بر می‌گردد. (حسینی سیستانی، تعارض الادله و اختلاف الحدیث، بی‌تا، ص ۱۵۶) به سبب این پدیده در تاریخ مسائلی رخ داده است؛ چنانچه مسئله تعارض و اختلاف اخبار در قرن چهارم و پنجم، یکی از شبهات کلامی و از ایرادهای عمده اهل سنت بر شیعه و منجر به باطل شمردن مذهب تشیع توسط آن‌ها و خروج برخی از این مذهب شده است. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲-۳)^۱

بر این بنیان، قدیمی‌ترین بحث از علم اصول، مسئله اختلاف حدیث است؛ از زمان امام کاظم و امام رضا علیهما السلام اشخاصی در صدد تألیف اصول و مصنفات اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام برآمدند و با هر مشکلی که روبرو شدند به حضرات مراجعه می‌کردند؛ نوشتن علل اختلاف الحدیث توسط یونس بن عبدالرحمن (۲۰۸ق) و ابن ابی عمیر (۲۱۷ق) از کارهایی است که در خلال این تلاش‌ها صورت گرفته است. (حسینی سیستانی، رساله تدوین الحدیث، ص ۱۰۰-۱۰۱ و ن ک: تعارض الادله و اختلاف الحدیث، ص ۱۶۶-۱۷۳)

هریک از نویسندگان کتب اربعه شیعه - البته با تفاوت در روش - کتاب‌های خود را به انگیزه رفع تناقض و از بین بردن تعارض حدیث شیعه نوشتند. (دلبری، ۱۳۹۶، ص ۶۰ نقل از کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۸؛ ابن بابویه، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۲؛ همان، ج ۱، ص ۲) بعد از آن نیز تلاش‌هایی توسط علمای فقه و اصول (سیستانی، تعارض ادله و اختلاف الحدیث، ص ۱۵۳-۱۵۹؛ عندلیب همدانی، خارج اصول، ۱۴۰۰-۱۴۰۱ از جلسه ۸۰ تا پایان سال و سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲، علیدوست، خارج اصول ۱۳۹۸/۷/۲-۱۳۹۸/۷/۱۳، شهیدی‌پور، خارج اصول ۱۳۹۷/۰۶/۰۶-۹۷/۰۶) و برخی دانشیان حدیث صورت گرفته است؛ کتاب «اسباب اختلاف الحدیث» و «مبانی رفع تعارض اخبار از دیدگاه شیخ طوسی در استبصار» از کتب مرتبط با موضوع حل تعارض هستند و آثاری دیگر مثل مقاله «تعارضات مستقر روایی در بحارالانوار» از عبدالهادی فقهی‌زاده و

۱. البته این شبهه هنوز مستمسک وهابیت و معاندین است. ن ک: مصاحبه موسسه موضوع‌شناسی احکام فقهی با سید کمال حیدری. کد ۸۸۶

زهر خرمی که حل تعارض و کمک از مرجحات را مطرح نموده و در تعادل با احتیاط و تخییر و توقف و اندکی از موارد آن را به جهت عدم سازگاری با مسلمات دینی و علمی و عقلی مردود شمرده و مقاله «تعارض در احادیث و روش‌های حل آن» از مهدی آشناور که در مورد تعارض مستقر و غیرمستقر بحث کرده و مقاله «شیخ حر عاملی و راهکارهای حل تعارض اخبار در وسائل الشیعه» از فتحیه فتاحی زاده و نجیمه افشاری که راه‌هایی برای حل تعارضات بدوی و تعارض مستقر ارائه می‌دهد و برخی کارهای شایسته دیگر.

شایسته بیان است که اختلاف روایات، دو محور اساسی مرتبط به هم دارد:

۱. کشف و شناسایی علل پیدایش تعارض

۲. چگونگی حل اختلاف (علیدوست، خارج اصول، ۲، مهر ۱۳۹۸) البته مهم‌ترین بحث تعارض ادله، اسباب اختلاف دانسته شده است؛ چراکه اگر فقیه بر این مسئله احاطه یابد، خواهد توانست میان اخبار مختلف‌نما جمع عرفی برقرار نموده و نیازمند مراجعه به روایات علاجی نخواهد بود. (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۵) در یک نگاه کلان، اسباب اختلاف حدیث به این موارد تقسیم شود:

۱. از جانب خود حضرات باشد مثل احکام واقعی و احکام ولایی، ناسخ و منسوخ، عام و خاص، محکم و متشابه، تقیه و غیره.

۲. از جهت تفاوت مقام مخاطب.

۳. از جانب مخاطبین شریعت از جمله اختلافاتی از جانب روات حدیث و عدم تسلط مخاطبین بر مدالیل نصوص شرعیه و عدم کوشش مناسب. (حسینی سیستانی، بی‌تا، ص ۱۸۶-۱۸۷)

با تغییر نیازمندی‌های زندگی انسان‌ها و تفاوت زمان و مکان و مصالح و مفاسد مرتبط با آن‌ها؛ لاجرم احکام و قوانین مربوط به آن‌ها تغییر نموده است؛ بر این بنیان، اخبار حامل این احکام، به‌رغم تعارض تنافی ظاهری و بدوی، تعارض و تنافی در ثبوت ندارند؛ از این‌رو امری مهم و ضروری فراروی متصدی استنباط قرار می‌گیرد تا در راستای حل تعارض اخبار و تحقق قاعده «الجمع مهما امکن اولى من الطرح»، جمع‌های عرفی حقیقی و واقعی را کشف نماید. (دلبری، ۱۳۹۶، ص ۲۰۱-۲۴۸)

۳۷ سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که توجه به سه بُعد گوینده، زمینه‌ی

تخاطب، و مخاطب همراه با التفات ویژه به فضای صدور روایات چگونه می‌تواند به تبیین و رفع تعارض‌های ظاهری میان روایات کمک کند؟ و آیا روش مرسوم موجود در جایگاه واقعی خودش برای حل مشکل تعارض، رسالت خویش را به شایستگی ایفا می‌نماید؟

نوشتار حاضر می‌کوشد تا نشان دهد بسیاری از این مختلف‌نماها، با درک لایه‌های ارتباطی صدور، قابل دفع‌اند و نمی‌توان صرفاً به ظاهر عبارات متکی بود و با درنگی مختصر در ایستگاه جمع عرفی، به سرعت دست به دامن تخییر و تساقط و توقف و احتیاط زد. به دیگر سخن، معنای روایت صرفاً در ظاهر اولیه الفاظ بدون لحاظ بستر صدور آن‌ها نیست و محقق باید دنبال «فهم قصدی» که بر پایه‌ی قرائن همراه متکلم و کلام و موقعیت گفت‌وگویی شکل می‌گیرد، باشد و نگاهی تحلیلی به وضعیت گوینده، شرایط صدور و افق مخاطب داشته باشد.

بر این اساس پژوهش پیش‌رو با التفات ویژه به بستر صدور روایات، در سه بخش به بررسی تأثیر سه عنصر متکلم، زمینه مخاطب و مخاطب و شئون مربوط به هر یک می‌پردازد.

۱. حصول تعارض از جهت تشریع و تبیین شریعت مطهر (تحلیل ساحت متکلم)

شریعت مجموعه‌ای از باورها و اخلاق و قوانین مربوط به زندگی بشر برای تمامی افراد در تمام حالات و شرائط گوناگون و جاودانی است که به صورت تدریجی با لحاظ مکان‌ها و زمان‌های متفاوت وارد شده لذا به ناچار، برخی نصوص بر حسب ظهور اولی خویش و بدون در نظر گرفتن زمینه صدورشان، دارای مطالبی متفاوت و متناقض خواهد بود. (ن ک: زراعت کاشانی، ۱۴۰۳، ص ۱۱۷-۱۴۰)

باتوجه به مطالب پیش گفته مقتضیاتی متفاوت برای تحقق تعارض وجود دارد که در موارد متعددی، توسط فضای صدور کشف می‌شود. گاهی منشأ اختلاف احادیث، خود حضرات علیهم‌السلام بوده‌اند، این مطلب در دو بیان پیگیری می‌شود:

۱-۱. پدیده‌های تدریجی بودن تشریع و تبیین، حکم فقهی تخییر، نسخ

توجه به نزول تدریجی شریعت - که محمول قرآن و سنت است - کمک به حل

برخی تعارض‌نماها می‌کند - چرا که از عوامل مهم در پیدایش تعارض و اختلاف، عرضه تدریجی حکم شرعی به مردم است، بدین‌گونه که بسیاری از اوقات، امامان معصوم علیهم‌السلام به یک‌باره از تمام حکم و جزئیات و تبصره‌ها و جوانب آن پرده بر نمی‌داشتند.

شایان بیان است باید همسان راهبردی که برخی محققین فن تفسیر، بر اساس نزول تدریجی قرآن، در پی کشف پدیده‌هایی جدید و حل برخی معضلات هستند (نک: بهجت‌پور، رویکرد نو در تفسیر بر اساس ترتیب نزول؛ همان، تفسیر «همگام با وحی، تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)» نسبت به فهم روایات نیز قدم برداشت و به قد و قامتی شایسته‌ی این واقعیت غیرقابل انکار یعنی تدریجی‌بودن تشریع و تبیین بها داد تا فهمی صحیح از شریعت نهاده شده در روایات محقق شود.

۱-۱-۱. تشریع و تبیین تدریجی

هر حدیث پژوهی به این پدیده پی می‌برد که تبصره‌های یک قانون شرعی در یک‌جا جمع نشده‌اند؛ بلکه گاهی یک عام یا مطلق آمده و مشخصات یا مقیدات آن در مواضع گوناگون پراکنده‌اند؛ طبیعی است که در اولین مواجهه با این‌گونه روایات احساس تعارض شود؛ اما با اندکی دقت رابطه‌های عرفی مثل عام و خاص، مطلق و مقید یا محمل‌های دیگری معلوم می‌شود. (دلبری، ۱۳۹۶، ص ۱۳۰-۱۳۱؛ نک: احسانی‌فر، ۱۳۹۰، ص ۲۴۸-۲۵۱)

۱-۱-۲. ناسخ بودن یک روایت نسبت به روایت معارض‌نما

پدیده نسخ در روایات به‌عنوان یک منشأ برای اختلاف اخبار ذکر شده (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۵) و برخی بزرگان هم به آن اشاره کرده‌اند. (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴، ص ۲۶؛ نک: احسانی‌فر، ۱۳۹۰، ص ۲۵۶-۲۶۲)

در شناخت نسخ آنچه حیاتی است شناخت تقدّم و تأخّر روایت است که با کمک از تاریخ و فضای صدور تبیین می‌شود و روایت متأخّر را ناسخ روایت قبلی می‌دانند.

برخی روایت «احتجم النبی و هو صائم محرم» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۷) را ناسخ «افطر الحاجم و المحجوم» دانسته‌اند (معارف، ۱۳۸۵، ص ۶۴-۶۵ نقل از ابن شاهین،

۱۴۱۲، ص ۲۰۹) که بر فرض متأخر دانستن این فعل پیامبر توسط فضای صدور و صحت استظهار، این نسخ صحیح می‌نماید گرچه پایان این تحقیق خواهد آمد که این دو تعارض ندارند و علت بطلان روزه در داستان مذکور حجامت نبوده؛ بلکه دروغ بستن به خداوند توسط آن دو است؛ (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۳۱۹) البته برخی با توجیهاتی دیگر خواسته‌اند این دو روایت را جمع کنند. (معارف، ۱۳۸۵، ص ۶۴-۶۵)

شایان بیان است قدرمسلّم پدیده نسخ، مربوط به دوران تشریع و زمان پیامبر اکرم علیه السلام است؛ چراکه امامان معصوم علیهم السلام در نظر بسیاری صرفاً مبین احکام هستند نه مشرّع که در صورت قول به مشرّع بودن ائمه علیهم السلام، تداوم پدیده نسخ امکان خواهد داشت.

۳-۱-۱. وجود حکم تخییر فقهی در شریعت

گاهی علت بیان متفاوت معصوم علیه السلام تخییر فقهی در عمل است؛ یعنی مکلف در واقع مخیر است و هر یک از دو عمل را می‌تواند انجام دهد.

به دیگر سخن پدیده تخییر فقهی، از عوامل اختلاف و تعارض ظاهری میان اخبار است (احسانی‌فر، ۱۳۹۰، ص ۲۰۵-۲۱۱) که در برخی روایات منشأ برای اختلاف اخبار ذکر شده است. (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۹۹-۳۰۰)

شیخ الطائفه در موارد بسیار زیادی از استبصار می‌فرمایند: میان این گونه روایات تنافی نیست؛ زیرا انسان مخیر است به هر کدام عمل نماید؛ مثلاً در جایی که میت و جنبی است و آب به مقدار غسل یکی از این دو بیشتر نیست، دو گونه روایت رسیده است که مرحوم شیخ وجه حمل بین آن دو را حمل بر تخییر می‌داند؛ زیرا هر دوی این‌ها واجب‌اند لذا هر کدام را انجام دهد، جائز است. (دلبری، ۱۳۹۶، ص ۱۳۹-۱۴۱)

۲-۱. صدور از غیر شأن تشریع و تبیین شریعت

در صورتی دو روایت متعارض خواهند بود که هر دو از شأن ابلاغ دین صادر و در صدد بیان حکم الهی باشند. گاهی اختلاف در روایات نشئت گرفته از صدور غیر تشریعی و تبیینی شریعت است که این تعارض‌نما خواهد بود نه تعارض. (حسینی

سیستانی، ۱۴۱۴، ص ۲۷؛ ن ک: دلبری، ۱۳۹۶، ص ۹۶ و ۱۱۲-۱۱۶)

شایان بیان است گاهی نهی صادر از ائمه علیهم‌السلام در حقیقت ارشاد به مفسده‌ای است که بر فعلی خاص مترتب است نه این که فعل به عنوان کلی ذاتاً حاوی مفسده بوده که با امر به آن معارضه رخ دهد. (نک: احسانی فر، ۱۳۹۰، ص ۲۱۲-۲۲۳)

بر این بنیان با تقسیم نصوص به مبین احکام الهی و غیرالهی، می توان این تقسیم را در جمع بین برخی روایات به ظاهر متعارض، مطمح نظر قرار داد و از آن در حل تعارض اخبار بهره برد؛ لذا از آثار توجه به تنوع شئون معصومان، رفع تعارض روایات است. (حسینی و عراقی، ۱۳۹۶، ص ۶۱-۷۲)

در برخی روایات کفالت به عنوان کاری با خسارت و غرامت و ندامت (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۴۲۷، حدیث ۲) و باعث هلاکت دانسته شده (همان، حدیث ۱) است در حالی که بدون شک، کفالت از مصادیق عمومات بیانگر استحباب رفع حوائج مؤمنین، شاد کردن آن‌ها و کمک به آن‌ها هست که با جمع عرفی بین این دودسته روایات، نتیجه کراهت گرفته شده (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص ۱۸۵) اما تعارضی - حتی به صورت ابتدائی - بین این دودسته از ادله نیست بدین بیان که نصوص کفالت در مقام دلالت بر حکم شرعی نیست؛ بلکه کفالت با قطع نظر از عوارض احتمالی اش، مستحب مسلم شرعی است. (علیدوست، خارج اصول، ۰۷ مهر ۱۳۹۸)

در روایتی است که کشتگان بر اثر ازدحام جمعیت دیه و قصاص ندارند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۵۵) درحالی که برخی روایات بر پرداخت دیه چنین مقتولی از بیت المال از سوی امیرالمؤمنین علیه‌السلام دلالت دارد که به نظر می رسد جمع بین این گفته و عمل، به حمل دوم بر تصمیمی حکومتی و موقت باشد. (علیدوست، ۱۳۹۰، ص ۸۰۴)

نیز احادیثی در بیان حکم تقبیل صائم وارد شده که در روایتی نهی و در روایتی جواز است (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۰، ص ۹۹-۱۰۰) که درصدد بیان حکم شرعی نیستند تا تعارض رخ دهد بلکه نهی وارد در این احادیث از جهت خروج احتمالی منی است خصوصاً برای جوانان؛ همان طور که روایتی از منصور بن حازم (همان، ص ۹۷) به چنین جمعی اشاره می کند. (حسینی سیستانی، تعارض الادله و اختلاف الحدیث، بی تا،

شیخ طوسی نیز موارد متعددی از اخبار متعارض نما را از این راه به سلم و وفق دعوت می‌کند (نک: دلبری، ۱۳۹۶، ص ۱۱۵-۱۱۶)؛ مثلاً در جمع برخی اخبار متعارض نما احتمال می‌دهد که فرمایش معصوم علیه السلام به جهت وساطت و صلح باشد نه حکم شرعی (همان، ص ۲۴۳؛ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۴۷؛ ن ک: همان، ج ۳، ص ۴۲، ص ۹۲) و در موارد متعددی حمل بر حکم حکومتی می‌کنند. (نک: دلبری، ۱۳۹۶، ص ۲۳۶)

مرحوم خوئی، «أنت و مالک لأبیک» (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۱۵۵) را قضیه شخصیه در مورد خاص دانسته که احتمال می‌دهد صادر از شأن اخلاقی باشد (خویی، ۱۴۱۸، ج ۲۶، ص ۱۶۵) درحالی که اگر در مقام بیان شریعت باشد با قاعده تسلط و برخی روایات دیگر در زمینه قرض گرفتن پول توسط پدر از پسر و برخی روایات دیگر منافات خواهد داشت.

در این مجال توجه به دو مقام افتاء و تعلیم^۱ که واقعیتی در بیان شریعت توسط ائمه علیهم السلام بوده، حائز اهمیت است گرچه گاهی ممکن است فقیه با تشخیص خصوصیات دخیل و غیر دخیل در حکم، از فتاوی خاص در مقام افتاء، کبرای کلی را انتزاع کند. (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۷؛ همان، تعارض الادله و اختلاف الحدیث، بی تا، ص ۱۹۳-۲۱۱)

۳-۱. سیاست‌های تقنینی و شیوه‌های اجرایی

بعضی از نصوص، مبین سیاست تقنینی است و برخی دیگر سیاست‌های اجرایی را بیان می‌کند. اصولاً اجرای قانون و شریعت، گاه اقتضائاتی دارد که نوعی عدول از قانون مصوب را می‌طلبد؛ اگر به این نکته توجه نشود تعارض‌نمایی پدیدار و قواعد مرسوم حل تعارض پناهگاه خواهد بود! درحالی که تعارضی وجود ندارد.

به عنوان نمونه در روایات برای دیه‌ی انسان حرّ مسلمان مذکر، شش نهاد پیشنهاد شده است؛ اما برخی روایات فقط دینار را مطرح نموده، برای حل تعارض، چنین

۱. مقام افتاء درصدد حل مشکل مخاطب برای عمل فعلی او است که امام علیه السلام تمام خصوصیات دخیل در حکم شرعی آن را لحاظ نموده است و تکیه بر قرائن منفصله نمی‌شود و مقام تعلیم درصدد آموزش اصول عامه و قواعد و احکام کلی شریعت برای تربیت و آموزش افرادی خاص است و تکیه بر قرائن منفصله می‌شود. (نک: تمدن و عزیز پور، ۱۳۹۹، ص ۱۰۷-۱۳۵)

بیان شده که سیاست تقنینی اسلام همان جواز پرداخت از موارد متعدد است؛ اما گاهی حاکم یک موردش را اجرا می‌کند؛ چون راحت‌تر است؛ ولی به این معنا نیست که حکم خدا فقط دینار باشد. (علیدوست، خارج اصول، ۹ مهر ۱۳۹۸)

۲. حصول تعارض از جهت مقام مخاطب

مقام مخاطب همان بستر توکد سخن البته همراه با قرائن پیرامونی صدور و معین صورت خاصی از مخاطب است، این صورت خاص می‌تواند شمول به شکل عمومیت یا اطلاق و خاص و تقيید یا غیره در کلام باشد.

بر این بنیان بستر و مقام مخاطب، همچون قرینه متصله، همراه و مقتضی صدور حکم شرعی متناسب با آن بافت ارتباطی است البته گاهی اقتضائاتی همیشگی یا غالبی و گاهی اقتضائاتی خاص و موردی وجود دارد؛ اما باتوجه به مرور زمان و ازدست رفتن برخی قرائن، متأسفانه گاه روایاتی بدون در نظر گرفتن فضایی که در آن صادر شده، تفسیر و استظهاری غیر از مراد متکلم ارائه می‌شود.

۲-۱. اقتضائات محاوره

غالب تشریع و تبیین شریعت در قالب کلام و محاورات بوده است البته گاهی شریعت از شریان فعل یا تقریر معصوم علیه السلام، به مردم منتقل شده است. بدون تردید هر قانون‌گذاری در ابلاغ قانون به مکلفین آن قانون، به اصول و قواعد محاوره و مفاهمه حاکم و رایج در میان مخاطبین خویش پایبند است، از لغت و واژه‌های آن‌ها بهره برده و به عرف آن‌ها در محاوره مقید است و چنانچه اصطلاح یا شیوه خاصی غیر معروف دارد، یادآوری می‌نماید؛ شارع مقدس نیز از همین رویه متابعت نموده است. (علیدوست، ۱۳۸۸، ص ۲۱۵؛ ن ک: انصاری، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۹۳؛ حسینی سیستانی، تعارض الادله و اختلاف الحديث، بی تا، ص ۲۱۱-۲۲۲)

برای تسلط بر مدالیل، باید تسلط بر اسلوب کلام عرب (ن ک: حسینی سیستانی، تعارض الادله و اختلاف الحديث، بی تا، ص ۲۱۱-۲۱۸) و توجه به گسترده‌گی شریعت جاودان اسلام همراه با عنایت به محدودیت زبان و زبان عربی برای ابلاغ آن (ن ک: همان، ص ۲۱۸-۲۲۲) بشود؛ یعنی فقر لغت عربی برای رساندن برخی مفاهیم شریعت

هم باید مورد توجه مخاطب روایات باشد تا دچار برخی تعارض‌نماها نگردد.
(حسینی سیستانی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۷)

محقق نائینی معتقد است عدم توجه به قرائن حافه، ظهوری غیر از ظهور متکی بر قرائن، تحویل مخاطب می‌دهد. (نائینی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۴۰) شیخ طوسی در برخی تعارض‌نماها با تعجیب دانستن یک طرف از دو طرف تعارض‌نما، راه‌حل داده و رمزگشایی نموده است. (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۹۵)

در برخی روایات نسبت به یک موضوع، «فیه بأس» آمده است و در برخی دیگر تعبیر «لا بأس به» است، شیخ حر قائل است که «لا بأس به» یعنی «فیه بأس شدید»، بدین بیان که وقتی «لا بأس» در بیان، یک مقداری کشیده شود؛ استفهام انکاری می‌شود. (علیدوست، خارج فقه، تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۹۸) یعنی مراد از «لا بأس به» جواز نیست که با تعبیر «فیه بأس» تعارض افتد؛ بلکه اتفاقاً نفی جواز است که هم‌صدا با تعبیر «فیه بأس» است.

بدین ترتیب نسل‌های بعد از آن برهه زمانی حتماً باید آن متن را در قالب متن صدورش فهم کنند تا مراد متن را به صورت صحیح در یابند؛ بر این بنیان برای حل تعارض‌نماهای ناشی از عدم توجه به فضای صدور نیاز به این توجه است تا تعارض دفع گردد گرچه گاه ممکن است با ملاحظه قاب متن، تعارضی مستقر شود.
(نک: حسانی‌فر، ۱۳۹۰، ص ۳۵۶-۳۹۵)

توجه به برخی روایات امکان چنین مطلبی را به عرصه فکر هدیه می‌دهد مانند:
«أَنْتُمْ أَفْقَهُ النَّاسِ إِذَا عَرَفْتُمْ مَعَانِيَ كَلَامِنَا إِنَّ الْكَلِمَةَ لَتَنْصَرِفَ عَلَى وَجْهِهِ فَلَوْ شَاءَ إِنْسَانٌ لَصَرَفَ كَلَامَهُ كَيْفَ شَاءَ وَلَا يَكْذِبُ.» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۱۰۶) (ن ک: مجلسی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۱۸۴ و ص ۱۹۹)

علامه حلی، «معانی کلام» را معنای اظهر آن که به واسطه قرائن حافه است، می‌داند (حلی، ۱۴۲۵، ج ۵، ص ۵۱-۵۲) شیخ حر عاملی ذیل این حدیث می‌نویسد: توسط این حدیث اختلاف از اکثر احادیث رفع می‌شود چراکه علت اختلاف، اختلاف موضوع یا حالات یا عموم و خصوص یا غیره است. (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۱۱۷)

مرحوم سید نیز با تمسک به برخی روایات، کلام معصومین علیهم‌السلام را قابل حمل بر محامل هفتادگانه و قابل تمسک برای عدم کذب‌بودن توریه دانسته؛ لذا برخی توجیهات مرحوم رشتی را برای صدور توریه صحیح نمی‌داند (یزدی، ۱۴۲۶، ص ۵۱۲) مرحوم امام نیز شناخت «معانی کلام» را شناخت اظهر احتمالات با کمک قرائن حافه و مواردی دیگر از جمله عرضه کردن اخبار بر اخبار عامه و فتاوی آنها می‌دانند. (خمینی، ۱۳۸۲ ش، ج ۳، ص ۱۶۷)

نمونه‌ای از حل تعارض باتوجه به مقام مخاطب، رویارویی روایت «فانِ اجْتَمَعُوا عَلَى رَجُلٍ وَ سَمَّوْهُ اِمَامًا كَانَ ذَلِكَ لِلّٰهِ رِضًا»^۱ (نهج البلاغه، نامه ۶) با ادله‌ای که انتخاب امام را به نص صریح و از جانب خداوند متعال و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که اولی در مقام احتجاج است نه استدلال و دومی مورد استدلال بر حقیقت است.

محقق بروجردی در بحث این‌که آیا «فیء» هم مثل غنیمت و غیره، مشمول خمس می‌شود یا خیر، روایتی را از عیاشی ذکر می‌نماید که دال بر خمس و در تعارض با روایاتی است که دال بر عدم خمس است و برای حل تعارض علاوه بر توجه به ضعف سند روایت عیاشی، باتوجه به فقه مقارن مذاهب اسلامی و فضای صدور، حدیث عیاشی را در مقام محاجّه دانسته و در نتیجه در راستای بیان حکم شرعی نمی‌داند که باعث تعارض شود. (علیدوست و ایزدی، ۱۴۰۲، ص ۲۲-۲۳ نقل از اشتهااردی، ۱۴۱۷ق)

شیخ طوسی در استبصار تلاش فراوانی در شناسایی این‌گونه شواهد و قرائن در راستای حل تعارض اخبار داشته است. (دلیری، ۱۳۹۶، ص ۱۰۵-۱۰۷)

۲-۲. مقام بیان غیرواقع اعم از تقیه و مدارا و القای خلاف

بیان نکردن حکم حقیقی می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد از جمله مدارا با عامه (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۸)، القای خلاف بین شیعیان به هدف شناخته نشدن آنها (مجلسی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۲۳۶؛ بروجردی، ۱۴۱۶، ص ۳۲۸؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۱، ص ۳۶۷؛ ن ک: یزدی، ۱۴۲۶، ص ۵۱۴-۵۱۶؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۴، ص ۲۸؛ دلیری، ۱۳۹۶)، طبق مذهب

۱. ترجمه: اگر بر یک شخصی اتفاق کنند و او را پیشوای خود قرار دهند خداوند هم به این امر راضی است.

سائل جواب دادن (علیدوست، خارج فقه، ۱۳۹۸-۱۳۹۹، شرائط قاضی؛ ن ک: عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۶۰؛ حسینی سیستانی، تعارض الادله و اختلاف الحديث، بی تا، ص ۲۰۴) و استفاده از معتقدات و التزامات عامه و تقیه که بعضی فقها همه را ذیل بحث تقیه دانسته (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۱، ص ۳۶۷) و بعضی این ها را از تقیه تمییز داده و در نهایت باتوجه به برخی رفتارها که از برخی معصومین علیهم السلام برخلاف تقیه صادر شده است مثل احتجاج با ابی حنیفه و... موارد کمی را در سبد تقیه قرار داده اند. (حسینی سیستانی، تعارض الادله و اختلاف الحديث، بی تا، ص ۲۳۵-۲۸۰؛ علیدوست، خارج اصول، ۱۴۰۰، ص ۱۷۳۴ - ۱۷۶۰)

برخی دیگر چون مرحوم بحرانی در حدائق (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۸) و صاحب وسائل (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۱۱۵) علت اصلی در اختلاف اخبار را تقیه دانستن آن می داند. (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۱، ص ۳۶۷؛ نک: همان، ج ۱، ص ۴-۵؛ احسانی فر، ۱۳۹۰، ص ۴۵۲ - ۴۵۹)

البته برخی دانشیان فقه و اصول این نظر را برنمی تابند (حسینی سیستانی، تعارض الادله و اختلاف الحديث، بی تا، ص ۲۷۹؛ صاحب جواهر نجفی، ۱۴۰۴، ج ۹، ص ۳۶۲؛ همان، ج ۷، ص ۱۶۴ و ج ۲۶، ص ۷۱ و تبریزی در حاشیه فرائد الاصول، انصاری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۶۲۵) قائل اند روایات معلوم التقیه ای توسط راویان نزدیک به اهل بیت علیهم السلام جدا شده و شیخ انصاری نیز عمده اختلاف اخبار را در تأویل و ندانستن ظاهر روایت می دانند (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۳۰) البته تنکابنی هم وجود کذب این را منشأ اختلاف اخبار دانسته و پدیده پالایش اخبار را برای تنقیح اخبار از اخبار مجعول کافی نمی داند؛ (تنکابنی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۰۵۰-۱۰۵۱) چنان که شهید صدر (صدر، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۴۰) و ابوالقاسم علیدوست (علیدوست، خارج اصول، ۰۶ مهر ۱۳۹۸) هم وجود اخبار مجعول را ممکن دانسته اند.

پذیرش هر یک از این اقوال برای این تحقیق مفید است؛ گرچه پذیرش برخی از آن ها که دامنه تقیه را بیشتر می دانند، توسعه بیشتری به کار می دهد.

شایان بیان است علم به تقیه ای بودن، روایت را از حجیت ساقط و احتمال آن در تعارض روایت را مرجوح کرده و مخالف با عامه مرجح است. (همان، ۱۳۹۹-۱۴۰۰، ص ۴۶)

ص ۱۷۳۴) پر واضح است علت موافقت روایات شیعه با عامه فقط تقیه نیست؛ بلکه ممکن است مطلب از موارد مشترک فریقین باشد.

میرزای آشتیانی در حکم زکات در مال‌التجاره، بیان داشته است که به علت تقیه، قید مبین استحباب نیامده بر این بنیان، تصور تعارض با نصوص دال بر عدم وجوب از بین می‌رود. (آشتیانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۱۷۶)

۲-۳. مقام بیان حکمی منحصر در واقعه‌ای خاص یا مقام بیان حکمی جاودانی و جهانی

برای متصدی استنباط، تشخیص قضیه حقیقه بودن یا منحصر در واقعه‌ای خاص دانستن روایت، مهارتی نقش‌آفرین است تا احکام بر طبیعت بدون لحاظ واقع خارجی را از روایاتی که تنها به مورد خارجی به عنوان موضوع حکم توجه کرده را جدا نماید؛ خلط این دو حکم، مشکلی در فرایند فقاهاست.

شیخ طوسی برای حل مواردی از تعارض‌نماها حمل کردن بر واقعه‌ای خاص را پیشنهاد داده (دلبری، ۱۳۹۶، ص ۲۳۹-۲۴۱) و شهید اول نیز اشاره به سبب «قضیه فی واقعه» بودن روایت، برای ایجاد اختلاف کرده است. (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۶۰) مرحوم خوئی روایتی (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۲۶۵) شامل بر «انت و مالک لایبیک» را حمل بر قضیه شخصیه در مورد خاص کرده و با بیان احتمالاتی تعارض را حل می‌کند. (خویی، ۱۴۱۸، ج ۲۶، ص ۱۶۶)

در مجموعه روایات خمس، دو دسته اخبار متعارض وجود دارد که امامان علیهم‌السلام در بعضی از آن‌ها، قائل به تحلیل و بخشودگی بوده و شیعه را از پرداخت خمس معاف کرده‌اند. (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۳۷۹) در مقابل، دسته‌ای دیگر از اخبار، بر عدم تحلیل و لزوم پرداخت خمس دلالت دارند، (همان، ج ۹، ص ۵۳۸) با توجه به صحیح بودن هر دو و روشنی دلالت، قهراً تعارض هست که باید علاج شود.

ابن جنید اسکافی اخبار تحلیل را مخصوص به زمان امامی که حکم به تحلیل کرده است دانسته (حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۱۲) اما صاحب ریاض بعد از نقض و ابرام‌های متعدد، حمل اخبار تحلیل بر زمان خاص و شرائط مخصوص را اجمالاً پذیرفته است. (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۲۶۰-۲۶۷) صاحب جواهر بر فرض ثبوت تعارض، جواب‌های متعددی داده که یکی از آن‌ها حمل اخبار تحلیل بر اباحه آن در زمان همان امام دانسته

است. (سلیمانی، ۱۳۸۴، ص ۶۱، نقل از: نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۶، ص ۱۵۴)

مرحوم بروجردی در مقام علاج تعارض و وجه جمع بین این روایات معتقد است که اخبار تحلیل و اباحه حمل بر زمان و شرائط خاص است و نسبت به همه زمان‌ها عموم و شمول ندارند و اخبار ادای خمس به زمان غیبت و مانند آن است پس تعارض علاج می‌شود (بروجردی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۸-۱۰۹) صاحب دراسات نیز معتقد است که باید اخبار تحلیل را بر موضوعات خاص یا زمان خاص یا شرائط خاص حمل کرد (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۸۲)، برخی فقها تعارض در روایات مربوط به زکات را - که بعضی آن را دال بر موارد نه‌گانه و برخی بیش از نه تا می‌دانند - با این عنصر حل کرده‌اند. (صفاری، ۱۳۸۴، ص ۱۲۳ - ۱۲۴)

پیامبر اسلام ﷺ در جنگ خیبر از خوردن گوشت الاغ نهی فرمود، نه به جهت نهی الهی و پلیدی در گوشت الاغ بود، بلکه به جهتی که در آن زمان موردنیاز بود. (علیدوست، ۱۳۹۰، ص ۷۳۲)

برای این پدیده، نمونه‌هایی دیگر از این‌قرار است: دستور صلح و جنگ با مشرکان (نک: علیدوست، ۱۳۹۵، ص ۷-۱۱)، دستور به شرکت در جنگ با خلفا و نهی از آن، دستور به اقامه نماز جمعه و نهی از آن که این نمونه‌ها حکم شرعی متناسب با مقام خود را دارد.

در حمل بر حکمی منحصر در واقعه‌ای خاص، نقش مخاطب مستقیم حدیث بسیار برجسته است چرا که نوعاً روایات حاوی اصول و قواعد کلیه، مخاطبش اصحاب خاص ائمه علیهم‌السلام بوده است و روایاتی که قضیه فی واقعه هستند مخاطبی غیر فقیه داشته و در شرائطی خاص بوده‌اند؛ باتوجه به این پدیده، راه حل تعارض‌نماها هموارتر می‌گردد. (حسینی سیستانی، تعارض الادله و اختلاف الحدیث، بی‌تا، ص ۲۰۴-۲۰۸؛ ن.ک: محققان ۱۴۰۰ و محققان ۱۳۹۵)

۳. حصول تعارض از جهت مخاطبین شریعت

مراد از مخاطبین شریعت در پژوهش جاری، اعم از مخاطب مستقیم روایات و ناقلین و نسخه‌برداران و مؤلفین کتب حدیثی و... است و بحث در دو قسمت پیگیری می‌شود:

۳-۱. اختلافات ناشی از نقل ناقلین و تدوینگران و نسخه‌برداران و...

کلام صادر از معصومان علیهم‌السلام به صورت مستقیم به فرد یا افرادی خطاب شده است و توسط همان فرد یا افراد به افراد دیگر منتقل شده، این افراد واسطه که ناقل احادیث بودند در دقت و هوش و علم و ضبط برابری نداشتند (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۶۰؛ ن.ک: دلبری، ۱۳۹۶، ص ۹۴، ۱۰۷، ۱۳۴) همان طور که ویژه‌دانان احادیث در زمان هر معصوم علیهم‌السلام مشخص‌اند (ن.ک: نجفی، ۱۴۰۴، ج ۹، ص ۳۶۲؛ همان، ج ۷، ص ۱۶۴؛ ج ۲۶، ص ۷۱) ناقلین شاذ یا مجهول هم در جای خود معلوم است. (نک: محقیان و رحمان ستایش، ۱۳۹۵)

شایان بیان است گرچه معصومین علیهم‌السلام طبق اسلوب صحیح بیان و به قدر عقل مخاطب، القای مفاهیم می نمودند؛ اما گاهی مطلبی را متکی به قرائن بیان می کردند و بعضی از روایات متوجه بودند و قرائن را هم می آوردند نه همه راویان، در نتیجه برخی قرائن از بین رفته و نقل نشده و گاه باعث تعارض برخی نصوص شده است. (علیدوست، خارج اصول، ۰۶ مهر ۱۳۹۸)

اخلال عمدی در نقل هم بوده؛ اما فقهای اهل بیت علیهم‌السلام و ملازمین حضرات، در بازشناسی سره از ناسره دقیق بوده‌اند (ن.ک: حسینی سیستانی، رساله تدوین الحدیث، بی تا، ص ۱۰۰-۱۰۱؛ همان، تعارض الادله و اختلاف الحدیث، بی تا، ص ۱۶۶-۱۷۳) گرچه ایضاً الفرائد این پالایش را برای پاک‌سازی از افراد کذاب کافی ندانسته است (تنکابنی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۰۵۰-۱۰۵۱) چنانچه شهید صدر ضمن تجلیل از تلاش بزرگان، باز قرار و اطمینانی بر عدم وجود احادیث جعلی نمی بیند به ویژه که جعل و وضع بیشتر در کتب اصحاب موثق ائمه علیهم‌السلام انجام می گرفت و چه بسا برخی متعارض نماها نتیجه همان جعل و تزویرها باشد. (صدر، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۴۰؛ ن.ک: احسانی فر، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳-۱۵۸)

مراجعه به روایات به ویژه باب اختلاف الاحادیث و علل اختلاف الاخبار و تاریخ و کتب فهرست و تراجم، وجود این واقعیت خارجی را تأیید می کند. (دلبری، ۱۳۹۶، ص ۱۲۲-۱۲۷) علم رجال نیز رسالت خود را در بررسی این افراد انجام می دهد و محدثین ویژه‌دان و فقها با دقت کامل در پی شناخت صحیح از سقیم بوده البته باز راویانی بوده‌اند که جعل حدیث می کردند و بعضاً در کتب می آوردند و سند خوبی هم برایش درست می کردند بر این بنیان روایاتی که می گویند روایات را به کتاب

عرضه کنید و اگر با کتاب و سنت معارض بود کنار بگذارید منظورشان روایات ضعیف نیست؛ بلکه روایات معتبر است البته این اقدام احتیاط خاصی می‌طلبد. (علیدوست، خارج اصول، ۰۶ مهر ۱۳۹۸)

شایان بیان است داستان اختلال در احادیث فقط منحصر به جعل عمدی نیست؛ بلکه تفاوت راویان و ناقلان و مؤلفین کتب و نسخه‌برداران آن‌ها خود نیز موجب اختلال‌هایی مانند پدیده نقل به معنا (دلبری، ۱۳۹۶، ص ۱۳۷؛ ن.ک: مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۲۲۷-۲۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۵۸-۱۶۵؛ حسینی جلالی، ۱۴۱۸، ص ۵۱۶-۵۱۸؛ احسانی‌فر، ۱۳۹۰، ص ۵۱-۶۲) و تقطیع در حدیث (ن.ک: احسانی‌فر، ۱۳۹۰، ص ۶۷-۶۸؛ دلبری، ۱۳۹۶، ص ۱۴۵-۱۴۶؛ علیدوست، خارج اصول، ۶ مهر ۱۳۹۸) و خلط کلام راوی با امام علیه السلام (ن.ک: دلبری، ۱۳۹۶، ص ۱۴۵-۱۴۶؛ احسانی‌فر، ۱۳۹۰، ص ۸۶) و شرح و اصلاح راوی (ن.ک: احسانی‌فر، ۱۳۹۰، ص ۱۰۸-۱۲۲) و تصحیف و تحریف (ن.ک: همان، ص ۱۴۲-۱۴۸) و سقط (ن.ک: همان، ص ۸۸) شده است؛ مثلاً در مورد نسخه‌برداری از کتب حدیثی گاه از یک کتاب وزین دو یا چند نسخه موجود است و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند که نیاز به دقت و مراقبت را دوچندان کرده و مورد تذکر بزرگان واقع شده است. (ن.ک: حسینی سیستانی، تعارض الادله و اختلاف الحدیث، بی‌تا، ص ۳۶۹-۴۱۹)

فضای صدور احادیث و فضای نقل و تدوین آن‌ها از عناصری است که به علم رجال و حدیث و فقه کمک شایانی می‌کند تا آمدگان بعد از سال‌ها و قرن‌ها را در فضای آن زمان قرار داده و تا حدود زیادی در یافتن مراد کمک کند.

۲-۳. فهم اشتباه از واژه‌ها و ترکیب واژه‌ها توسط مخاطبان نصوص

از اسباب تعارض، سوء فهم مخاطب روایات است بدین سبب هنگام بررسی علوم موردنیاز اجتهاد، نیاز به علوم ادبی از جمله لغت و صرف و نحو و قواعد بلاغی مدنظر قرار گرفته است. (حکیم، ۱۴۱۸، ص ۵۵۴-۵۵۵) از مواردی که برای فهم و حل اختلاف احادیث بسیار کارگشا است توجه به اختلاف موضوع یا متعلق حکم‌ها است تا کار به تعارض نکشد و بی‌گمان، این مهم نیاز به بحث‌های ادبی و توجه به فضای صدور دارد. (ن.ک: حسینی سیستانی، تعارض الادله و اختلاف الحدیث، بی‌تا، ص ۱۹۳-۲۰۵؛ مصاحبه با سید کمال حیدری کد خبر ۸۸۶)

گاهی فقیه بر اساس داشته‌های ذهنی خود میان روایات تنافی دیده، حال آن که در حقیقت تعارضی نیست چراکه گاه این تعارض فهمی، ناشی از جهل به تغیر و تطور معنای لغتی خاص (نک: مبلغی، ۱۳۷۹، ص ۷۷-۱۰۴؛ واسطی، ۱۳۹۵، ص ۳۲-۵۴) یا عدم آگاهی به ظرافت‌های زبان عربی یا برخی موارد دیگر است (دلبری، ۱۳۹۶، ص ۱۳۱-۱۳۵) و گاه از عدم توجه به وجود قدر متیقن بر سر راه اطلاق‌گیری است. (همان، ص ۲۳۷-۲۳۸)

اما ترکیب واژه‌ها، در زبان عربی در بسیاری از مواقع مراد واقعی با الفاظ صریح مباحثی بیان نمی‌شود؛ بلکه گاهی آنچه در لفظ استعمال شده غیر مراد واقعی است مثل باب مجازات و استعارات و کنایات که این شیوه بین فصیح‌های عرب و بلغای آن‌ها متداول بوده و گاهی آنچه استعمال شده مخالفت فی الجمله با مراد واقعی دارد مثل عامی که اراده خاص از آن شده است. (حسینی سیستانی، تعارض الادله و اختلاف الحدیث، بی‌تا، ص ۲۱۱-۲۱۸)

شایان بیان است باتوجه به تبیین مورد صدور روایت توسط فضای صدور، ممکن است شبهه‌ای به ذهن برسد که مورد روایات مخصص آن‌ها نیست و روایات را در تنگنای آن مورد قرار نمی‌دهد (به دیگر سخن، العبرة بعموم الوارد لا بخصوص المورد) لذا فضای صدور که می‌باید مورد است نمی‌تواند دافع تعارض باشد؟ در جواب این شبهه باید دقت نمود که این قاعده به چه معنا و برای کجاست؟ فضای صدور کمک می‌کند تا معنا و مراد کلام مشخص گردد نه این که درصدد تعمیم و تخصیص باشد و زمینه را برای این شبهه فراهم سازد، به دیگر سخن مورد مخصص نیست اما مفسر هست؛ زیرا در استظهارات، ظهور عرفی که با قرائن مکتنه حاصل می‌شود ملاک است و این در مواردی جز باتوجه به فضای صدور حاصل نمی‌شود و این همان مفسر بودن مورد است که نتیجه این تفسیر ممکن است تخصیص یا تعمیم باشد.

بر این بنیان اتفاقاً فضای صدور به اجرای درست قاعده «المورد لایعمم و لایخصص» و «العبرة بعموم الوارد» کمک می‌کند؛ یعنی برای فهم صحیح وارد با قیود و شروطش نیاز به فضای صدور است؛ چراکه همه روایات خارجیه بوده است

– خارجیه نه قضیه فی واقعه – و در بستر زمان و مکان و شرائط خاص این دو صادر شده است.

بزرگانی به این مطلب اشاره داشته‌اند که «العبرة بعموم الوارد» اصلی مقدم است مگر شاهی برخلاف باشد (نک: خرازی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۱۵۲؛ ج ۶، ص ۴۲۱؛ گلیگانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۱۷-۴۱۸) که فضای صدور حدیث می‌تواند مبین مصادیق این شاهد باشد.

نمونه دیگر، آمدن کلمه «سنت» در روایاتی مانند «القراءة سنة و التشهد سنة فلا تنقض السنة الفریضة» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۵۲) است؛ معنای متبادر از این کلمه، در عصر حاضر استحباب است درحالی‌که برداشت از این کلمه در عصر صدور نص «ما فرضه النبی» بوده است و شاهد بر آن عبارت شیخ طوسی است که نسبت به حل تعارض ظاهری در روایت «غسل الميت سنة» فرموده است «المراد فی اضافة هذا الغسل الى السنة ان فرضه عُرف من جهة السنة لان القرآن لا يدل على ذلك و انما علمناه بالسنة» (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۰۱) یعنی مراد از اضافه شدن این غسل به سنت، واجب شدن آن از جهت سنت است؛ چون از جهت قرآن واجب نشده است؛ بلکه از جانب سنت واجب شده است.

شیخ انصاری با عنایت به این‌که کراهت در روایات با کراهت در معنای امروزی متفاوت است، از برخی تعارضات جلوگیری می‌کند. (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۱۰-۲۱۲؛ ن.ک: حسینی سیستانی، تعارض الادله و اختلاف الحدیث، بی‌تا، ص ۲۲۲-۲۳۰؛ علیدوست، خارج اصول، ۶ مهر ۱۳۹۸)

در فهم معنای واژه «کرّ» روایاتی وارد شده است که بعید نیست اختلاف آن‌ها در اختلاف معنای «رطل» در بلاد مختلف باشد بدین صورت که حضرت، روایت «سنة مئة رطل» را در جواب سائل مکی و روایت «الف و مئتين» را در جواب سائل عراقی فرموده باشند؛ لذا اختلاف عرف‌ها و عادات از مناشئ اختلاف احادیث است (حسینی سیستانی، تعارض الادله و اختلاف الحدیث، بی‌تا، ص ۲۰۲-۲۰۴) که با شناخت فضای صدور روایات، این تعارض، دفع می‌گردد.

روایت «افطر الحاجم و المحجوم» معارض ظاهری با «احتجم النبی و هو صائم

محرم» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۷) است شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا علیه السلام با عدم توجه به فضای صدور، معنای «افطر الحاجم و المحجوم» را وارد شدن در سنت و فطرت پیامبر صلی الله علیه و آله به سبب حجامت دانسته است؛ چون حجامت چیزی بوده است که حضرت به آن دستور داده است (همان، ج ۲، ص ۱۷) و در معانی الاخبار احتمال بالا را به یکی از مشایخ در نیشابور نسبت می‌دهد و مطرح نموده که «افطر» به معنای «در معرض احتیاج به افطار قرار دادن» باشد؛ اما با آوردن فضای صدور روایت توسط روایتی دیگر، از روایت رمزگشایی می‌کند که جهت مشکل دار شدن روزه حجامت کننده و حجامت شونده در حال افترا بستن بر پیامبر صلی الله علیه و آله بوده‌اند و اساساً مشکل روزه آن‌ها هیچ ربطی به حجامت نداشته است. (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۳۱۹)

روایت «المیت یعذب بیکاء اهله» (نک: مسلم نیشابوری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۴۳-۴۵) نیز با ظاهر «لاتزر وازرة و زر آخری» (انعام: ۱۶۴) سازگار نیست و با آشنایی با فضای صدورش که خود آن میت گناهکار بوده و مراد از باء سببیت نیست؛ بلکه معیت است گره آن را باز می‌کند. (طباطبائی، ۱۳۹۰، ص ۲۹۵-۳۲۶)

نمونه دیگر که با شناخت فضای صدور، حل تعارض بین روایات با فهم درست ترکیب‌واژه رخ می‌دهد از این قرار است:

درنگ در فضای صدور روایت «الجار قبل الدار» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۴) و «الجار ثم الدار» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۳۷) هادی به این است که برای خریدن خانه و یا مقدم داشتن همسایه در دعا کردن است نه در کمک کردن مالی تا با برخی روایات دیگر تعارض رخ دهد. (طباطبائی، ۱۳۹۱، ص ۸)

در دفع تعارض در فهم واژه‌ها و ترکیب واژه‌ها حمل بر اختلاف در اصطلاح یا محامل مختلف لغوی امری مهم است بدین بیان که یکی از مناشئ تعارض این است که یک معصوم در دو موقع یا دو معصوم، مطابق دو اصطلاح حرف بزنند که این اصطلاح‌ها کلمه‌اش یکی است؛ ولی معناهایش متفاوت است یا اگر اصطلاح هم نیست، معنای لغوی متفاوت دارد؛ مثلاً در یکی معنای اصطلاحی مراد است و در یکی معنای لغوی؛ بر این بنیان کسی که قدرت بر حمل ندارد این دو را متعارض می‌بیند تا جایی که گاهی دو راوی هم با هم اختلاف کرده‌اند مثل معنای کلمه بائن

در برخی روایات یا مثل معنای کلمه «وجب» در برخی روایات که فقها نسبت به آن دست به توجیهاتی زده‌اند. (علیدوست، خارج اصول، ۱۰ مهر ۱۳۹۸)

نتیجه‌گیری

۱. با توجه به اینکه منشأ اختلاف احادیث حضرات معصومین علیهم‌السلام، تفاوت مقام مخاطب یا مخاطبین شریعت است؛ با بررسی‌های به‌عمل آمده و با بیان مثال‌های متعدد فقهی و اصولی و حدیثی در این سه سطح، موارد متعددی از تعارضات بدوی نمایان گشته و عدم تعارض آن‌ها با توجه به نکات پیرامونی این سه‌لایه ارتباطی نمایان می‌شود.

۲. مناشی اختلاف از جهت خود معصومین علیهم‌السلام از جهت تدریجی بودن تشریع و تبیین و پدیده تخییر و پدیده نسخ و صدور از غیر شأن تشریع و تبیین شریعت و تفاوت تقنین و اجرا وجود دارد که با توجه به این مناشی به‌ویژه با کمک از فضای صدور آن، اختلافات قابل دفع است.

۳. حصول تعارضاتی از جهت مقام مخاطب در وادی اقتضائات محاوره و مقام بیان غیرواقع اعم از تقیه و مدارا با عامه و غیره و مقام بیان حکم منحصر در قضیه فی واقعه است که حل تعارض از طریق توجه به این عناصر خصوصاً فضای صدور است.

۴. آخرین جهت، حصول تعارض از جهت مخاطبین شریعت در وادی اختلافات ناشی از نقل ناقلین و تدوین کتب و غیره و در وادی فهم اشتباه از واژه و ترکیب واژه‌ها است که همانند موارد قبلی در نمونه‌های عینی متعدد تعارض‌نمایی به تصویر کشیده می‌شود که با توجه به مناشی آن‌ها به‌ویژه با شناخت فضای صدور، دفع می‌گردد.

۵. و در نهایت، توجه هم‌زمان به سه سطح گوینده، زمینه مخاطب، و مخاطب همراه با التفات ویژه به فضای صدور روایات، زمینه‌ساز رفع روش‌مند تعارض‌های ظاهری در روایات فقهی قبل از اجرای قواعد حاکم بر حل پدیده تعارض است.

فهرست منابع

کتب

- قرآن کریم.

- نهج البلاغه.

۱. آشتیانی، میرزا محمدحسن بن جعفر (۱۴۲۶ق). کتاب الزکاة. (تحقیق و تصحیح: سید علی غضنفری، علی اکبر زمانی نژاد) قم: انتشارات زهیر - کنگره.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق). معانی الأخبار. (تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری) قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق). عیون أخبار الرضا علیه السلام. (تحقیق و تصحیح: مهدی لاجوردی) تهران: نشر جهان.
۴. احسانی فر، محمد (۱۳۹۰) / سیبب / اختلاف الحديث. قم: دارالحديث.
۵. انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۵ق). کتاب المکاسب. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۶. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق). الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق). المحاسن. (تحقیق و تصحیح: جلال الدین محدث) قم: دارالکتب الاسلامیه.
۸. بروجردی، آقا حسین طباطبائی (۱۳۸۰ق). زبدة المقال فی خمس الرسول و آل. (مقرر: سید عباس قزوینی)، قم: چاپخانه علمیه.
۹. بروجردی، آقا حسین طباطبائی (۱۴۱۶ق). البدر الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافر. (حسینعلی منتظری نجف آبادی، مقرر)، قم: بی نا.
۱۰. تنکابنی، محمد (۱۳۸۵ق). ایضاح الفرائد. تهران: مطبعة الاسلامیه (اخوان کتابچی).
۱۱. حسینی سیستانی، سید علی (۱۴۱۴ق). الرافد فی علم الأصول. (مقرر: منیر قطیفی)، قم: لیتوگرافی حمید.
۱۲. حسینی سیستانی، سید علی (بی تا). تعارض الأدلة و اختلاف الحديث. (مقرر: السید الهاشمی)، بی جا: بی نا.
۱۳. حسینی سیستانی، سید علی (بی تا). رسالة تدوین الحديث تقريراً لأبحاث سماحة آیت الله سیستانی. (مقرر: سید محمدعلی ربانی)، بی جا: بی نا.
۱۴. حکیم، محمدتقی بن محمد سعید (۱۴۱۸ق). الأصول العامة فی الفقه المقارن. قم: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام.
۱۵. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ق). مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۶. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۵ق). *نهاية الوصول الى علم الأصول*. قم: مؤسسة الامام الصادق عليه السلام.
۱۷. خمینی، سید روح الله الموسوی (۱۳۷۵). *التعادل و الترجیح*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۸. خمینی، سید روح الله (۱۳۸۲). *تهذیب الأصول*. (مقرر: جعفر سبحانی)، قم: دارالفکر.
۱۹. خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۸ق). *موسوعة الإمام الخوئی*. قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی رحمته الله علیه.
۲۰. دلبری، سید علی (۱۳۹۶). *مبانی رفع تعارض از دیدگاه شیخ طوسی در استبصار*. مشهد: دانشگاه علوم رضوی.
۲۱. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ق). *کتاب النکاح*. قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
۲۲. صدر، سید محمدباقر (۱۴۱۷ق). *بحوث فی علم الأصول*. (مقرر: سید محمد هاشمی شاهرودی)، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت عليهم السلام.
۲۳. طباطبائی حائری، سید علی بن محمد (۱۴۱۸ق). *ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام باللائل*. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۲۴. طباطبائی، سید محمدکاظم (۱۳۹۰). *منطق فهم حدیث*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۵. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *تهذیب الأحکام*. (محقق و مصحح: حسن موسوی خراسانی)، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق). *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*. (محقق و مصحح: حسن موسوی خراسانی)، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۷. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۹ق). *ذکری الشیعة فی احکام الشریعة*. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۲۸. عاملی، شیخ حر، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعة*. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۲۹. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۸). *فقه و عرف*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۰. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۰). *فقه و مصلحت*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۱. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۸-۱۳۹۹). *خارج فقه: شرائط قاضی، شرط ایمان*. قم: بی نا.
۳۲. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۸-۱۴۰۱). *خارج اصول*. قم: بی نا.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. (محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. مفید، محمد بن محمد (۴۱۳ق). *الاختصاص*. (محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، محمود محرمی زرنندی). قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.

۳۵. منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی (۱۴۰۹ق). *دراسات في ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية*. قم: نشر تفکر.
۳۶. نائینی، میرزا محمدحسین غروی (۱۴۱۱ق). *کتاب الصلاة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۷. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. (محقق و مصحح: عباس قوچانی و علی آخوندی)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۸. یزدی، محمدکاظم بن عبدالعظیم (۱۴۲۶ق). *التعارض*. قم: مؤسسه انتشارات مدین.

مقالات

۳۹. سلیمانی، ابوالحسن مجتهد (۱۳۸۴)، بهار و تابستان. نقش و تأثیر آگاهی از شأن صدور روایات در استنباط احکام شرعی. *مقالات و بررسی‌ها*، ۸۵۶ (۷۷)، ص ۵۱-۶۷.
۴۰. صفاری، سعدی (۱۳۸۴). تأثیر شناخت زمینه‌های صدور در فهم حدیث. *فصلنامه علمی - تخصصی علوم حدیث*، (۳۶-۳۵)، ۱۰۱-۱۲۴.
۴۱. طباطبائی، سید محمدکاظم (۱۳۹۱). مقاله فضای صدور. *علوم حدیث*، ۴ (۶۶)، ۳-۱۷.
۴۲. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۵)، پائیز و زمستان. روش‌شناسی استنباط احکام جهاد. *قرآن، فقه و حقوق اسلامی*، ۳ (۵)، ۷-۱۲.
۴۳. علیدوست، ابوالقاسم، ایزدی، حسین (۱۴۰۲)، زمستان. فلسفه فقه در سده اخیر حوزه‌های علمیه قم با رویکرد روش‌شناسی. *فصلنامه علمی - پژوهشی فقه نظام ساز*، ۲ (۸)، ۷-۳۸.
۴۴. معارف، مجید (۱۳۸۵). رابطه تاریخ و فهم و نقد حدیث. *پژوهش‌های دینی*، (۱۴)، ۵۳-۷۰.